

## تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا

خلیل‌اله سردارنیا\* حمید شاکری\*\*

### چکیده

در این تحقیق، نگارندگان درصدد تحلیل و بررسی حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در نهج البلاغه با رویکرد نظری - روشی زمینه‌گرایی یا اجتماع‌گرایی هستند. به دو دلیل، این رویکرد در بین رویکردهای نظری - روشی در داخل پارادایم تفسیری انتخاب شد: 1. برخلاف آن‌ها، این رویکرد قائل به تعدد گفتمانی و مبانی متغیر در معرفت‌شناسی نیست 2. مفروضات این رویکرد مبنی بر خوانش «متن» مرتبط با «بستر یا زمینه» با مبانی ثابت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و اهمیت محوری نظام معنایی، ارزشی و فرهنگی در اجتماع یا جامعه‌ای مشخص، با موضوع این نوشتار، مناسب‌تر به نظر می‌رسند. لذا موضوع حکمرانی خوب در نهج البلاغه در قالب یک الگوی کاملاً مطلوب فرا زمانی و فرا مکانی در بستر یک جامعه توحیدی اسلامی و پذیرش مشروط و وضعیت‌مند تمام شاخص‌های امروزی این مفهوم در اندیشه سیاسی غرب ترسیم شده است.

kh\_sardarnia@yahoo.com

h.shakeri@aol.com

تاریخ پذیرش: 1393/7/23

\* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

\*\* کارشناس ارشد حقوق عمومی از دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: 1392/8/15

واژه‌های کلیدی: نهج البلاغه، حکمرانی خوب، زمینه‌گرایی، اجتماع‌گرایی.

### 1. مقدمه

یکی از موضوعات مهمی که از دهه 1980 به این سو در مؤسسات پژوهشی و آکادمیک علوم انسانی به خصوص در رشته‌های علوم سیاسی و اجتماعی، اقتصاد، مدیریت و حقوق عمومی مطرح شده، موضوع «حکمرانی خوب» است. در صورتی که اعمال حاکمیت بر مبنای ویژگی‌های مهمی همچون: مشارکت دادن مردم و نهادهای مدنی در تصمیم‌سازی‌ها، حاکمیت قانون، التزام حکومت و شهروندان به قانون و باورهای مدنی، پاسخگویی، فساد ستیزی، ایجاد فرصت‌های برابر، عدم تبعیض و مانند آن باشد از آن می‌توان به «حکمرانی خوب» یاد کرد؛ در جهت عکس، اگر اعمال حاکمیت بر مبنای ویژگی‌هایی همچون: قانون‌گریزی، خودسری حکومت، عدم تعامل حکومت و مردم، فساد و ناکارآمدی باشد از آن بایستی به عنوان «حکمرانی بد» یاد کرد.

گرچه در جهان امروز و عصر گسترش مردم‌سالاری‌ها، حکمرانی خوب با مولفه‌های یاد شده به مثابه مشی حکومتی مطلوب پذیرفته شده است؛ اما اتخاذ و پذیرش این مفاهیم و مولفه‌ها با خاستگاه عمدتاً غربی در یک جامعه اسلامی، نمی‌تواند به صورت مطلق باشد، بلکه بایستی به صورت مشروط و «وضعیت‌مند» یعنی در سازگاری با اصول و مفروضات ثابت هستی‌شناختی یا جهان‌بینی و نیز معرفت‌شناختی اسلام باشد.

نکته شایان ذکر آن است که از نیمه دوم سده بیستم به این سو در خود غرب مکاتبی مانند پست مدرنیسم، زمینه‌گرایی و نوسازی جدید در جهت نقد پارادایم جهان‌گرا و سکولار مدرنیته و نوسازی شکل گرفته و حکمرانی خوب از منظر لیبرالیستی را با چالش روبرو ساختند. در این ارتباط می‌توان به ظهور و گسترش جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، هویت‌گرایی و ناسیونالیسم فرهنگی در جهان و مقاومت‌ها علیه پروژه جهانی سازی نولیبرالیسم اقتصادی و سیاسی اشاره کرد.

تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا

29

## 2. پرسش تحقیق

با اتخاذ رویکرد نظری و روشی زمینه گرای یا اجتماع گرای، چه نسبتی بین شاخص ها و نوع تلقی از حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی غرب و نهج البلاغه وجود دارد؟

## 3. فرضیه‌های تحقیق

الف) حکمرانی خوب در نهج البلاغه به صورت یک مدل کاملاً مطلوب در بستر یک جامعه توحیدی اسلامی بر ورای تقسیم بندی های دوگانه امروزی از جامعه به دوشکل مدرن و سنتی یا پیشامدرن طرح شده است؛ در حالی که مدل غربی و امروزی آن مبتنی بر اندیشه ها و مفروضات اومانستی سکولار طرح شده است.

ب) در نهج البلاغه، مولفه‌های حکمرانی خوب گرچه به لحاظ شکلی و اسمی و تا حدی محتوایی با شاخص‌های امروزی حکمرانی خوب مانند قانون گرای، فساد ستیزی، عدم تبعیض، پاسخگویی، جلب مشارکت مردم و مانند آن اشتراک دارند، اما به دلیل تفاوت‌های هستی شناختی و ماهوی بین جهان بینی اسلام و جهان بینی سکولار و انسان محورانه غرب، تأیید شاخص‌های امروزی، کاملاً مشروط و در ذیل حاکمیت الهی و اسلام قرار می‌گیرد، لذا مردم سالاری دینی می‌تواند برآیندی از حکمرانی خوب ترسیم شده در نهج البلاغه باشد.

ج) گرچه در حکمرانی خوب اسلامی در نهج البلاغه اهمیت توسعه و آبادانی مادی و کیفیت زندگی نادیده گرفته نشده است، اما با اتکا به الزامات و مبانی هستی شناختی اسلامی، جهت و اهداف حکمرانی در نهج البلاغه در ذیل اهداف اخلاقی - معنوی، تکاملی و غیر سود محورانه فردی و گروهی و در شکل امت محور اسلامی - دینی نگریسته شده است. غایت حکومت همانا تحقق حاکمیت الهی و اصول معنوی، اخلاقی و متعالی اسلامی در جهان است.

د) علی (ع) با نگاه فرا زمانی و فرا مکانی و به صورت کاملاً آینده محورانه، الزامات امروزی در ارتباط با حکمرانی همچون: دوسویگی روابط مردم و حکومت، مشارکت مردم و گروه‌ها، پاسخگویی و نظارت پذیری حکومت را در مدل حکمرانی

خوب اسلامی گنجانده است.

#### 4. پیشینه و ضرورت انجام تحقیق

در ارتباط با مقوله حکومت در نهج البلاغه، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده‌اند؛ اما پیرامون موضوع حکمرانی خوب در نهج البلاغه، تعداد مقالات محدود و کم هستند که برای جلوگیری از اطاله کلام به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

محمد سروش در مقاله‌ای با عنوان «اهداف و آرمان‌های حکومت در نهج البلاغه» که در مجموعه مقالات دانشنامه امام علی (ع) در سال 1380 انتشار یافته است موضوع اهداف حکومت از دیدگاه حضرت علی (ع) را بدون نگاه مقایسه‌ای با جایگاه و نوع تلقی از این مفهوم در اندیشه سیاسی غرب تشریح کرده است. بهرام اخوان کاظمی نیز در مقاله‌ای با عنوان «آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام علی (ع)» همین رویکرد تشریحی و غیر مقایسه‌ای نویسنده قبلی را داشته است.

حمید کردبچه و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «توسعه نظریه حکمرانی خوب با استفاده از نهج البلاغه» منتشر شده در مجموعه مقالات همایش نهج البلاغه در همدان در سال 1391، به طور خاص موضوع حکمرانی خوب در نهج البلاغه را مورد مطالعه قرار داده‌اند اما از رویکرد روشی نگارندگان زمینه‌گرایی استفاده نکرده‌اند.

ابوالفضل شاه آبادی و آمنه جامعه بزرگی نیز در مقاله‌ای با عنوان «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه» در فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه منتشر شده در تابستان 1392 نیز همانند دو نویسنده قبلی عمدتاً با رویکرد توصیفی به این موضوع پرداخته‌اند و از رویکرد روشی زمینه‌گرا یا اجتماع‌گرایی استفاده نکرده‌اند.

نگارندگان این مقاله بر این باورند که صرف وجود مقالات در ارتباط با یک موضوع، رفع تکلیف از پژوهشگران دیگر نمی‌کند؛ نکته شایان ذکر دیگر آن که یک موضوع را می‌توان از منظرها یا رویکردهای نظری و روشی گوناگون مورد تحقیق و بررسی قرار داد. بنابراین، انجام این تحقیق به دلایلی همچون: نگاه به موضوع حکمرانی خوب در نهج البلاغه از منظر رویکرد روشی - نظری زمینه‌گرا و مقایسه بین الگوی

## 5. چارچوب نظری اجمالی

### 5.1. معرفی اجمالی نظریه و رویکرد روشی زمینه گرا

در این تحقیق، از رویکرد روشی و نظری زمینه گرا یا اجتماع گرایی استفاده شده است. این رویکرد در ذیل «پارادایم تفسیری» در کنار نظریه هایی همچون: هرمنوتیک روشی، وجودگرایان، پست مدرن ها، سازه انگاران و مانند آن قرار می گیرد. پارادایم یاد شده و نیز رویکرد روشی - نظری زمینه گرا در تعارض و چالش با پارادایم اثبات گرای مدرنیسم یا «بنیادگرایی روشی» قرار دارند و مفروضات مهم بنیادگرایی روشی همچون: اصول عام و جهان شمول مبتنی بر عقلانیت بشری و سکولار، کلان روایتها و جداسازی واقعیتها از ارزشها را به چالش طلبیده اند.

در این رویکرد، انسان به عنوان موجود اجتماعی و متعلق به اجتماع یا جامعه فرهنگی و عقیدتی خاصی تلقی می شود و هویت او در ارتباط با تعاملات، جامعه پذیری، شکل گیری شخصیت، فرهنگ پذیری و نظام معنایی و ارزشی مرتبط با اجتماع عقیدتی، فرهنگی و ارزشی مشخصی بررسی می شود. لذا این تلقی از اجتماع مشخص در تعارض با اصول عام و کلان روایت های بنیادگرایان روشی یا مدرنیست های عقل گرای سکولار و بی اعتقاد به ظرف مکانی و زمانی قرار می گیرد. در این رویکرد، نوع تلقی، برداشت ها و تفسیر از رفتارها، باورها و عملکردهای افراد، گروه ها و حکومت تابع مستقیمی از اجتماع مشخص مرتبط با بستر ارزشی، جهان بینی و هستی شناختی خاصی است. (براتعلی پور، 1384: 71)

بنیادگرایان روشی (مدرنیست ها) به کشف اصول عقلانی در رفتارها باور دارند و پست مدرنها قائل به ابداع اخلاق و گفتمانها هستند؛ اما زمینه گرایان قائل به تفسیر قواعد اخلاقی و رفتاری در بستر اجتماع یا جامعه عقیدتی و فرهنگی مشخص هستند. از دید مایکل والزر (احتمالاً نخستین فیلسوف زمینه گرا) اخلاق و ارزشها که تبیین کننده رفتارها هستند وابسته به اجتماع ارزشی و فرهنگی مشخصی هستند. در نزد

چارلز تیلور، هویت ابعاد گوناگون دینی، تاریخی و ملی دارد و انسانها همیشه هویت خود را در تعاملات و روابط در نظام معنایی و ارزشی در اجتماع یا جامعه مشخصی به دست آورده و تحکیم می‌بخشند.

نکته اساسی در تفکر اندیشمندان زمینه‌گرا یا اجتماع‌گرا آن است که در عین نقد بنیان‌های مدرنیته و فردگرایی آن، در تلاشند که خود را از سیالیت غیرقابل دسترس معرفتی برحذر دارند. به عبارت دیگر بر خلاف پست مدرن‌ها، آن‌ها قائل به نسبی-گرایی افراطی و تعدد افراطی گفتمانی نیستند و دچار تغییر و تعدد در بنیان‌های معرفت‌شناختی نشده‌اند و معتقد به اصول ثابت مبتنی بر نظام معنایی، عقیدتی و فرهنگ جامعه یا اجتماع مشخص هستند. این برداشت برای جوامع اسلامی که دین و نظام معنایی و ارزشی آن‌ها را دین اسلام تشکیل می‌دهد می‌تواند مناسب باشد. البته این به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و رسوم در بین جوامع اسلامی یا تغییر و تحولات و دگرگونی‌های ارزشی در این جوامع نیست. (علوی پور، 1388: 12-22)

بر طبق این روش، جستجو و بررسی مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب یا خوب در نهج البلاغه در چارچوب زمینه‌گرایی بر اساس خوانش متن نهج البلاغه در بستر جامعه دینی و توحیدی قابل طرح است و تشابه در شاخص‌های حکمرانی و برخی تشابه‌ها در محتوا و تلقی از آن‌ها نایستی باعث شوند که تفاوت‌های ماهوی و هستی‌شناختی در طرح‌الگوی حکمرانی و تفاوت نوع تلقی از شاخص‌های آن در اسلام و سکولاریسم را نادیده بگیریم.

## 5.2. مفهوم و شاخص‌های حکمرانی خوب در تاریخ اندیشه‌های سیاسی غرب

در تاریخ اندیشه سیاسی غرب، ارسطو نخستین کسی بود که اصطلاح «حکومت خوب» را در مقابل اصطلاح «حکومت بد» با محوریت معیار فساد ناپذیری و پای‌بندی حکومت و حکمرانان به مصالح جمعی در مقابل مصالح فردی و گروهی به کار برد. ارسطو هدف راستین حکومت و سیاست را در تحقق بخشیدن به زندگی خوب و بهزیستی شهروندان در جامعه مدنی و شهری می‌دانست. البته این مؤلفه هر از چندگاه

با همین محتوا در کلام اندیشمندان و فیلسوفان ایده-آلیست به کار برده می‌شد؛ برای مثال، جان لاک معتقد بود هدف حکومت خوب تامین «خیر عمومی» برای مردم و شهروندان است. از دید هولزاندورف سه هدف اساسی حکومت عبارتند از: 1) توسعه قدرت ملی (2) حفظ آزادی فردی شهروندان (3) پیشبرد توسعه اجتماعی و رفاه عمومی. در نزد برخی هدف اولیه و بی واسطه حکومت‌ها عبارت از حفظ صلح، نظم، امنیت و عدالت در میان شهروندان و توجه به تأمین رفاه عمومی بود. (عالم، 1373: 240-239) یا می‌توان به اهداف دیگر حکومت در نزد اندیشمندان سیاسی اشاره کرد که عبارتند از: 1. رضایت افراد و گروه‌ها و پاسخگویی به مطالبات آن‌ها 2. رشد و تعالی وجدانی و اخلاقی جامعه 3. تحقق بیشترین رفاه برای حداکثر شهروندان یا همه آن‌ها 4. ترقی و اعتلای شخصیت افراد و تامین حقوق فردی و جمعی شهروندان 5. حمایت از منافع و امنیت جانی اشخاص و گروه‌ها و ایجاد تعادل بین آن‌ها. (ولسن، 1963: 141-159)

اما در دو دهه اخیر، استفاده از مفهوم حکمرانی خوب در محافل علمی و آکادمیک رواج یافت، در این ارتباط، بانک جهانی پیشگام بود. بانک جهانی به صورت محدود، این مفهوم را در ارتباط با سیاست‌های تعدیل ساختاری با مولفه‌هایی همچون: کاهش مداخله و تصدی گری حکومت در عرصه اقتصادی، استفاده از بخش خصوصی در ارائه خدمات شهری و عمومی، شفافیت در عرصه اقتصادی و بهینه کردن قانون و نظارت در رقابت‌های اقتصادی، کاهش یارانه‌های عمومی غیر ضروری و همگرایی فزاینده در عرصه اقتصادی به کار برد. (ناجم و هترینگتون، 2003: 2) پس از چندی، کاربرد این مفهوم در برداشت صرفاً اقتصادی محدود نماند و به عرصه‌های سیاسی و فرهنگی-اجتماعی گسترش یافت.

در مجموع، حکمرانی خوب را می‌توان چنین تعریف کرد، اعمال حاکمیت و مدیریت بر مبنای شاخص‌هایی همچون: قانونمندی، کارآمدی، خدمات رسانی به هنگام در ابعاد گوناگون، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، شفافیت پذیری، فساد ناپذیری، نظارت پذیری، اهتمام دولت نسبت به عدالت گستری، امنیت گستری، توزیع عادلانه و

منطقی کالاها و خدمات، خدمات رسانی به هنگام به شهروندان، افزایش ظرفیت‌های مشارکت پذیری و رایزنی در حکومت، رفع تبعیض‌ها در ابعاد گوناگون، نهادینه سازی آزادی‌های قانونمند و حقوق شهروندی و مانند آن. (جوهانسن و ماینرز، 2000: 2) البته برخی نیز حکمرانی خوب را با دید هنجاری به معنی «مدیریت کارآمد امور عمومی از طریق ایجاد یک حکومت و قواعد مشروع و قانونی در راستای پیشبرد ارزش‌های اجتماعی افراد و گروهها» تعریف می‌کنند. (پلامبتر، 1999: 3)

بدین ترتیب حکمرانی موضوعی است که ناظر بر نحوه تعامل دولت‌ها با نهادهای مدنی و شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات است و فرایندی است که از آن طریق جوامع و نهادها تصمیمات خود را اتخاذ و به واسطه آن مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرایند درگیر و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. (شریفیان ثانی، 1380: 37)

## 6. تحلیل و برداشتی زمینه‌گرا از حکومت و حکمرانی در نهج البلاغه

### 6.1. اهداف و ضرورت تشکیل حکومت و تفاوت‌های ماهوی حکمرانی در نهج البلاغه و دموکراسی‌های سکولار

مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اسلام و نهج البلاغه با مؤلفه‌های این مفهوم در اندیشه سیاسی غرب به لحاظ صوری اشتراک وجود دارد؛ ولی به لحاظ ماهوی دارای تفاوت‌هایی هستند که در جدول ذیل طرح می‌شوند.

جدول (1): مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه غرب و حکمرانی خوب در نهج البلاغه

مؤلفه‌ها	حکمرانی خوب در اندیشه غرب	حکمرانی خوب در نهج البلاغه
قانون‌گرایی	پابندی به قراردادهای اجتماعی	پابندی و اعتقاد به قوانین الهی و قراردادهای اجتماعی
شفافیت اطلاعات	قابل دسترس بودن اطلاعات و آزادی جریان آن	سیال و آزاد بودن اطلاعات که تضمین‌کننده کمال انسانی است
مبارزه با فساد	مبارزه با فساد از طریق ساز و کارهای نظارتی	مبارزه با فساد براساس شریعت توسط ساز و کارهای نظارتی



تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا

35

تساوی و برابری شهروندان	برابری در مقابل قانون و برابری از حیث حقوق شهروندی، فرصت ها و ...	بستر سازی و ایجاد فرصت های برابر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای تمامی شهروندان در چارچوب شرع مقدس اسلام
مشارکت	مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود از طریق انتخابات و تلفی از حاکمیت مردم به عنوان یک اصل غیر قابل تغییر	حاکمیت از آن خداست و هم و انسان را بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش حاکم ساخته است؛ لذا مشارکت مردم و گفتمان جمهوریت در ذیل حاکمیت الهی قرار می گیرد
پاسخگویی	پاسخگویی متقابل دولت، نهادهای مدنی، شهروندان و بخش خصوصی در مقابل یکدیگر	پاسخگویی متقابل دولت، نهادهای مدنی، شهروندان و بخش خصوصی در مقابل یکدیگر و در مقابل خداوند.
کارایی و اثر بخشی	استفاده از تمامی ظرفیت های مادی و مدیریتی برای خدمات رسانی به هنگام به مردم	استفاده از ظرفیت های مادی و معنوی به طور کامل
ارزش ها	ارزش های مادی و تلاش برای تعالی زندگی دنیوی	تلاش همزمان برای تعالی زندگی دنیوی و سعادت اخروی
مشروعیت حکومت	عقلانی - قانونی و مردمی	مشروعیت الهی برای ثبوت حکومت و مشروعیت مردمی برای تحقق و اجرایی شدن حکومت

نگرش امیرالمومنین(ع) به حکومت مبتنی بر جامعه یا اجتماع دینی و عقیدتی با هستی شناسی و معرفت شناسی خاص خود و متمایز از مفروضات اومانستی سکولار است. در هستی شناسی و جهان بینی اسلام و نهج البلاغه، حاکمیت الهی به عنوان حاکمیت ایده آل و تنها شکل مقبول حاکمیت است و حکومت به عنوان ابزاری برای عینیت بخشیدن به حاکمیت الهی تلقی شده است. از زاویه هستی شناختی و با نگاهی هنجاری- اخلاقی، قدرت سیاسی و قدرت به عنوان ابزار تلقی می شود نه هدف، لذا خروجی قدرت مهم است که آیا اصول و هنجارهای بنیادین اسلام را اجرا می کند یا نه؟ در همین راستا با جهت گیری اخلاقی و هنجاری، ایشان هدف از به دست گرفتن حکومت را گرفتن حق مظلومین از ظالمین و ستمگران می داند. در همین راستا ایشان می فرمایند: «آگاه باشید! سوگند به آنکه دانه را شکافت و انسان را بیافرید، اگر حضور

حاضران نبود و حجت با وجود یاوران تمام نمی‌شد و (اگر نبود) پیمانی که خداوند از عالمان گرفته که بر سیری ستمگران و گرسنگی مظلومان، بی‌قرار باشند، هر آینه ریسمان حکومت را بر پشتش رها می‌کردم و آخرش را با کاسه‌ی اولش سیراب می‌ساختم و می‌دیدید که دنیای شما نزد من، از آبِ بینی بُز ماده‌ای بی‌ارزش‌تر است. (نهج البلاغه، 1385: 31).

همچنین در جای دیگر امیرالمومنین (ع) هدف از حکومت را عبارت از ایجاد امنیت، تقویت رفاه عمومی، احقاق حق مظلومین، تحقق عدالت در جامعه و حاکمیت قانون معرفی می‌کند. در همین ارتباط در یکی از سخنانشان در کوفه که به «خطبه منبریه» هم معروف است، از جمله اهداف عالی‌ه حکومت اسلامی (فلسفه حکومت اسلامی) را چنین بیان می‌کنند: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت، حکومت، دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستمدیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد.» (همان: 175).

همچنین در نامه امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر - که به «منشورنامه حکومت» معروف است - بخش عمده‌ای از مولفه‌های حکمرانی خوب برشمرده شده است. آن حضرت در جای دیگر در باب ضرورت حکمرانی و مزیت حکمرانی خوب و مضرات حکمرانی بد می‌فرماید: «حکمران دادگر از باران پیوسته که همه چیز را بارور می‌کند بهتر است و حیوان درنده وحشی از حاکم ستم‌کار بهتر است و حاکم بیدادگر از نبود حاکم و حکومت و ادامه هرج و مرج بهتر است.» (قضاعی، 1401: 21؛ دلشاد، 1377: 78-79)

همچنین امیرالمومنین (ع) در کوفه طی یک سخنرانی اهداف و آرمان‌های خود برای به دست گرفتن حکومت را این گونه تشریح می‌کنند: بارالها! تو آگاهی که هدف ما از قیام، عشق به قدرت و دستیابی به فزونی متاع دنیا نیست و تنها بدان منظور است که نشانه‌های دین تو را به جایی که بود بازگردانیم و در سرزمین‌هایی که متعلق به توست اصلاح و آبادانی را رواج دهیم، به نحوی که بندگان تو که پیش از این ستم

تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا

37

دیده‌اند، احساس امنیت کنند و قوانین مورد نظر تو که اجرای آن‌ها به دست فراموشی سپرده شده است در جامعه حاکم گردند. (نهج البلاغه، 1385: 175).

دو نکته از این خطبه قابل برداشت است: یکی اینکه هدف حاکمان فاسد از به دست گرفتن ریاست همانا کامیابی، برتری طلبی، اشیاع غریزه و لذت پرستی است. (اخوان، 1379: 3) در جهان بینی حضرت امیر(ع) این اهداف، در زمره اهداف پست شمرده شده و مقام‌های دنیوی اعتباری تلقی شده و فاقد ارزش هستند. در ادبیات غرب، حکمرانی مطلوب و خوب همان همکاری عمومی، توسعه پایدار انسانی، به حداکثر رساندن رضایت و اعتماد شهروندان، رفع نیازهای اساسی آن‌ها و حمایت از حقوق و آزادی‌های عمومی است، (کافمن، 2003: 4) اما در جهان بینی اسلامی و نهج البلاغه در عین حالی که این مؤلفه‌ها و اهداف نادیده گرفته نشده‌اند، بلکه خود فلسفه وجودی حکومت و اهداف متعالیه آن در چارچوب اسلام و برای عینیت بخشیدن به اصول اسلامی، بسیار مهم و جوهری تلقی شده است. لذا اهداف و مولفه‌های یاد شده در ذیل این اصل جوهری قرار می‌گیرند، جنبه ثانوی به خود می‌گیرند و اعتبار خود را از تلقی یاد شده هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی از حکومت و حاکمیت در اسلام به دست می‌آورند.

## 6.2. تعامل و حقوق متقابل حکومت و مردم

به دلیل تحولات و پیچیده‌تر شدن جامعه شهری و بحران‌های نوظهور در جامعه شهری، دیگر روش‌های یک سویه و منسوخ حکومت قابل قبول نیستند و کفایت نمی‌کنند، لذا تعامل و رابطه دو سویه حکومت و مردم در مدیریت جامعه و تصمیم‌سازی ضرورت دارد. نکته شایان ذکر آن است که در اسلام، رابطه متقابل حکومت و مردم در ذیل موضوع هستی‌شناختی حکومت و فلسفه تشکیل آن و حاکمیت الهی قرار می‌گیرد. حکومت اسلامی بر مبنای مشروعیت الهی به عنوان اصلی‌ترین و جوهری‌ترین شکل مشروعیت است؛ البته مشروعیت مردمی حکومت با محوریت مشارکت و پاسخگویی به مردم و گروه‌ها نادیده گرفته نشده است با این تفاوت که رابطه این دو

نوع مشروعیت از نوع طولی است نه موازی و هم عرض. بنابراین هر دو مقوله در چارچوب هستی‌شناسی زمینه‌گرا از جامعه اسلامی قابل تحلیل هستند اما در هستی‌شناسی اومانیستی سکولار، بعد الهی حکومت مورد بی‌توجهی قرار گرفته و اهداف متعالی معنوی و تکاملی به نفع اهداف دنیوی و بشری مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند.

در اندیشه امیرالمومنین(ع) تأکید زیادی بر کیفیت رابطه حکومت با شهروندان شده است، ایشان جوهری‌ترین مفهوم دموکراسی‌های امروزی را مورد غفلت قرار نمی‌دهد و بر این مفهوم حتی به مراتب بیشتر از دموکراسی‌های سکولار تأکید کرده و حکمرانان را به رعایت حقوق شهروندی توصیه و ملزم می‌سازد.

در ارتباط با حقوق مردم به یکی از کارگزاران خود چنین می‌فرماید: «دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب رضایت مندی مردم گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، رضایتمندی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد؛ اما خشم خواص را رضایتمندی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند. زیرا در روزگار سختی یاری‌شان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع خواسته‌ها دیر‌عذرپذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر هستند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم هستند، پس به آن‌ها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد.» (نهج البلاغه، 1385: 405)

حضرت امیر(ع) در این فرمایش بسیار زیبا، مفهوم محوری مردم و مردم‌داری را به عنوان پیش‌شرط مهم مشروعیت بخشی و رضایت عمومی از حکومت و نیز جزء فلسفه و اهداف حکومت و حکمرانی مطرح می‌کند.

امیرالمومنین(ع) در باب حقوق متقابل حکومت و مردم می‌فرماید: «ای مردم! مرا بر شما و شما را بر من حقی است. اما حق شما بر من آن است که از خیر خواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال شما را در راه شما صرف کنم، شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و تربیتتان کنم تا فراگیرید؛ اما حق من بر شما این است که در بیعت خویش با من وفادار باشید و در آشکارا و نهان خیرخواهی را از دست ندهید. هر وقت

شما را بخوانم اجابت نمائید و هرگاه فرمان دادم اطاعت کنید.» (همان: 61)

امیرالمومنین(ع) در این فرمایش خود به چهار حق اساسی و کلیدی(حق مردم بر حاکم) تصریح می کند که عبارتند از: 1. خیرخواهی حاکم نسبت به مردم 2. تنظیم مسایل اقتصادی 3. تعلیم و آموزش عمومی 4. تربیت و پرورش مردم. ایشان سه حق اساسی حاکم بر مردم بیان می کنند، که عبارتند از: 1. وفای به عهد یا بیعت 2. خیرخواهی مردم و اقشار گوناگون نسبت به حاکم اسلامی، خیرخواهی حقی است که هم مردم نسبت به حاکم دارند و هم حاکم نسبت به مردم. 3. اجابت از دعوت حاکم متدین، صادق و متعهد به اسلام و اطاعت از اوامر او که امروزه به عنوان عدم نافرمانی مدنی از حکومت مشروع، قانونی و کارآمد تلقی می شود.

همچنین امیرالمومنین(ع) در جایی دیگر در باب حقوق متقابل و آثار اجرا یا عدم اجرای آن می فرمایند:

«خداوند به خاطر حکمرانی من بر شما برای من بر شما حقی قرار داده و شما را نیز بر من حقی است. حق در عرصه وصف، وسیع ترین اشیاء و در مرحله انصاف تنگ ترین چیزهاست... خداوند از حقوق خود حقوقی را بر بعضی مردم نسبت به بعضی دیگر واجب گرداند و آن حقوق را در جهات و حالات برابر با هم قرار داد و بعضی را در برابر بعضی دیگر واجب نمود و بعضی واجب نگردد مگر به انجام حقی که در برابر آن است. بزرگترین چیزی که از این حقوق واجب فرمود حق حاکم بر رعیت و حق رعیت بر حاکم است، این فریضه ای است که خداوند برای هر یک نسبت به دیگری واجب نموده و این حقوق را موجب برقراری الفت و ارجمندی دینشان قرار داد. رعیت اصلاح نشود مگر به صلاح حاکمان و حاکمان اصلاح نگردند مگر به استقامت رعیت. پس زمانی که رعیت حق والی را ادا کرد و والی هم حق رعیت را رعایت نمود حق میان ایشان ارجمند گردد و راههای دین بر پا شود، نشانه های عدالت برقرار شود، سنت ها در مجرای خود روان شود، زمان آراسته و شایسته گردد، به دوام دولت امید رود و مطامع دشمنان به یأس مبدل گردد. ولی اگر رعیت بر والی غالب شود یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پیدا شود و نشانه های ستم آشکار گردد،

افساد و اختلال در دین زیاد شود، راههای روشن سنت‌ها رها گردد، از روی هوای نفس عمل شود، اجرای احکام رو به تعطیلی رود، بیماری روانها زیاد شود، در آن وقت مردم از تعطیل حقّ عظیم نترسند و بر انجام گرفتن باطل بزرگ وحشت نکنند. به آن هنگام است که نیکوکاران خوار و بدکاران عزیز شوند و کیفر خداوند نزد بندگان بزرگ گردد.» (نهج البلاغه، 1385: 315).

### 7. مولفه های حکمرانی خوب در نهج البلاغه

درگفتار پیش، تفاوت‌های ماهوی در ارتباط با ماهیت و نوع حکمرانی در اسلام با تمرکز بر نهج البلاغه با دموکراسی های سکولار و نیز یک شاخص مهم حکمرانی خوب یعنی رابطه تعاملی حکومت و مردم طرح شدند، حال در این قسمت، مهمترین شاخص های دیگر، به اجمال طرح می‌شوند. با اتخاذ رویکرد نظری - روشی زمینه‌گرا یکی از فرضیه های تحقیق آن بود که در شرع مقدس اسلام و نهج البلاغه، مولفه های تشکیل دهنده حکمرانی خوب به صورت مشروط و در صورت سازگاری با جهان بینی و هستی شناسی اسلام قابل قبول خواهند بود.

#### 7.1. قانون گرایی، حق محوری و ظلم ستیزی

قانونمندی و حاکمیت قانون، جوهره و روح حکمرانی خوب است و بدون آن، حکمرانی کالبدی بی روح، فاقد پاسخگویی و کارآمدی خواهد بود. قانونمندی، مفهومی است که همه حکومت‌ها و مدیران از خودکامه‌ترین تا دموکراتی‌ترین‌ها به آن استناد می‌جویند. اما این مفهوم، متأسفانه ملعبه دست عوام‌فریبان و قدرت جویان فاقد عواطف انسانی شده است، آنان با ظاهری قانون‌گرا، اهداف تنگ نظرانه فردی و گروهی خود را با زد و بندها، توجیه‌های ظاهراً منطقی و تفسیرهای تنگ‌نظرانه در پس نقاب قانونگرایی پنهان می‌سازند. (سردارنیا، 1391: 165)

برخی بر این باورند که قانونمندی بستگی به میزان اعتبار و ارزشی دارد که شهروندان و حکمرانان برای سازمانها، نهادهای وضع و اجرای قانون و حل و فصل اختلافات قائل هستند. (فابریسیوس، 1998: 2) هر چه میزان اعتماد و باور به

تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا

41

مشروعیت حاکمان و سلامت قانونگذاران و حکمرانان بیشتر باشد، آنگاه تمایل به قانونمندی در بین مردم، گروه‌ها و نهادهای مدنی نیز بیشتر می‌شود. (بارو، 1999:

15)

اگر امیرالمومنین(ع) وجود حکومت جائز را بر نبود حکومت و نبود قانون ترجیح می‌دهد، بر لزوم حکومت و قانونمندی در بستر یک جامعه توحیدی و دینی نیز تأکید می‌کند. البته بدون تردید، ایشان قانون و محتوای آن در شکل سکولار را نمی‌پذیرد و از این حیث در یک جامعه دینی نباید تصمیمات و قوانین با اسلام و قرآن کریم ناسازگار باشند. ایشان معتقدند که غایت دینی حکومت می‌طلبد که قوانین و حقوق برای شهروندان و دولت بایستی به نحوی باشد که زمینه تحقق احکام الهی را بگسترده و با رعایت این حقوق، نه حکمی تعطیل گردد، نه فسادی در دین پدید آید و نه سنتی از سنت‌های الهی بر زمین بماند. (سروش، 1380: 52) البته با کمی تأمل متوجه می‌شویم که در نهج البلاغه، در بستر جامعه اسلامی، تعارض بین سنت و قانون وجود ندارد. یعنی از یک سو، محتوای قانون نمی‌تواند در تعارض با کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) باشد؛ از سوی دیگر، کسب رضایت عمومی مردم ایجاب می‌کند که قانون با توجه به خردورزی، مشورت، عدالت و انصاف وضع شود. مضافاً اینکه قرآن و سنت پیامبر(ص) و نهج البلاغه سرشار از توصیه و تأکید به حکمرانان و مردم برای عدالت‌ورزی، تأمین امنیت، قانونمندی، مبارزه با فساد و مانند آن است. (سردارنیا، 1392: 33)

حضرت علی(ع) در اجرای قانون به عنوان شاخصه و جوهره مهم حکمرانی خوب بر برابری همه در مقابل قانون و عدم نقض آن تأکید و تصریح داشت. در همین ارتباط خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «همیشه حق را گرچه بر نزدیک و دور باشد اجرا کن و اعمال خود را به حساب خداوند بگذار، گرچه اجرای حق به تو زیان برساند و همیشه به عاقبت حق بیندیش.» (لنکرانی، 1373: 187) حضرت علی(ع) همگان به ویژه کارگزاران خویش را به رعایت حقوق مردم دعوت می‌کرد. چنان‌که به مالک اشتر می‌فرماید: «باید محبوبترین امور نزد تو میانه‌ترین آنان در حق باشد.» (نهج البلاغه، 1385: 405)

امیرالمومنین (ع) قانون و حق مداری را ملازم یکدیگر می‌داند و معتقدند که مصلحت‌گرایی ممکن است باعث انحراف از عدالت و دین شود. ایشان در خطبه 215 چنین می‌فرمایند: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌ها است به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم در اینکه پوست جویی را از موریانه ای به ناروا بگیرم، هرگز چنین نخواهم کرد.» (ماندگاری، 1381: 63). همچنین امیرالمومنین (ع) در راستای قانونمندی و حق طلبی در نامه معروف خود به مالک اشتر می‌فرمایند: «حق و قانون را درباره کسی که لازم است اجرا کن، بدون توجه به اینکه آن شخص از نزدیکانت به شمار می‌آید.» (نهج البلاغه، 1385: 417).

در جای دیگر امیرالمومنین (ع) در تأکید بر عدالت و ظلم ستیزی می‌فرمایند: «به خدا سوگند! آنچه از عطایای عثمان و آنچه بیهوده از بیت المال مسلمین به این و آن بخشیده، اگر بیابم به صاحبش باز می‌گردانم، چه مهریه زنان شده باشد، یا کنیزانی را با آن خریده باشند، زیرا عدالت گشایش می‌آورد و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ظلم و ستم بر او گرانتر خواهد بود.» (همان: 39)

## 7.2. عدالت ورزی کارگزاران

عدالت از جمله موضوعاتی است که از دیرباز دغدغه بشر، اندیشمندان و ادیان الهی بوده است. پس از حاکمیت قانون، عدالت واژه یا مفهوم بسیار مهم و در واقع، جوهره دیگر حکمرانی خوب محسوب می‌شود. عدالت عامل قوام بخش و مشروعیت بخش به حکمرانی و حکومت، عامل مهم در استمرار همبستگی بین جامعه و حکومت و استحکام بخش به جامعه است. قانون مندی و عدالت دو ستون بسیار مهم برای حفظ خیمه نظام سیاسی و جامعه هستند.

عدالت و حق محوری یا ظلم ستیزی دو مورد از مهمترین عناصر حکومت علوی و امامان معصوم (ع) هستند؛ همین ویژگی منحصر به فرد در علی (ع) بود که ایشان را تا به امروز شهره همه آفاق و اعصار کرده است لذا تعداد قابل توجهی از نویسندگان مسیحی از ایشان به بزرگی تمام یاد کرده‌اند.



تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا

43

از دید امیرالمومنین(ع)، عدالت الفبای اصلاح در جامعه است. زیرا ضعف ها، بی نظمی ها و ناکارآمدی ها همگی ناشی از خروج امور از حد و اندازه طبیعی خود هستند. عدالت باعث تعادل در جامعه بین اقشار گوناگون می شود و همچنین معیاری برای تدبیر عمومی مردم است. (نهج البلاغه، 1385: 527) در نگرش ایشان، یکی از جنبه های مهم عدالت، جبران ظلم و بی عدالتی اعمال شده بر افراد و تعیین موقعیت اشخاص بر اساس تلاش و کوشش آنها است، در این راستا می فرمایند: «تلاش و رنج هر یک از آنها را شناسایی کن و هرگز تلاش و زحمات کسی را به حساب دیگری مگذار.» (همان: 411)

امیرالمومنین(ع) در نامه ای به مالک می فرمایند: «بهترین چیزی که کارگزاران را شادمان می کند اجرای عدالت، برپایی آن در شهرها و آشکار ساختن دوستی مردم است و دوستی مردم آشکار نمی شود مگر موقعی که دل هایشان از کینه و خشم خالی شود و دلسوز نمی مانند مگر وقتی که زمامداران خویش را برای کارهای خود نگاه دارند و ادامه حکومت آنان را سنگین شمارند و نخواهند که هر چه زودتر این حکومت تمام شود. بنابراین آرزوهای مردم را برآورده کن، آنها را به خوبی یاد کن و تلاش و همت اشخاصی که مورد امتحان قرار گرفته اند و سختی هایی را متحمل شده اند را یادآوری نما. زیرا که یادآوری کارهای نیک نیکوکاران، انسان شجاع را تهییج می کند و به تلاش وادار می نماید. (همان: 409)

### 7.3. پاسخگویی و مسئولیت پذیری در مقابل مردم

پاسخگویی یک امر حیاتی برای حکمرانی خوب است، البته پاسخگویی بدون وجود شفافیت و قانونمندی قابل اجرا نیست. این مولفه در کنار مولفه های دیگر حکمرانی، عنصر مهم مشروعیت بخش به حکومت و مشوق همکاری و مشارکت مردم و گروه ها با حکومت است. در اندیشه حکومتی حضرت امیر(ع) پاسخگویی به مثابه ضرورت و یک شاخص جاویدان و همیشگی برای ایجاد و استمرار حکمرانی مطلوب است؛ به گونه ای که نبود آن را منشا تباهی حکومت می داند. پاسخگویی در

نهج البلاغه به دو صورت بیان می‌شود: نخست، پاسخگویی کارگزاران در برابر خداوند؛ دوم پاسخگویی آن‌ها در قبال مردم.

امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: «هرگز گمان مبرید که مطلب و سخن حقی(انتقاد کردن از ایشان) که به من می‌گویید برایم سنگین باشد و از آن ناراحت شوم و گمان مدارید که من در فکر بزرگ جلوه دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن و عرضه حق و عدالت بر او دشوار باشد، عمل به آن برایش دشوارتر خواهد بود. بنابراین از گفتن حق و یا مشورت به عدل با من خودداری مکنید؛ زیرا من شخصاً خویش را مافوق آنکه اشتباه کنم نمی‌دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم، مگر اینکه خداوند مرا حفظ کند.» (همان: 317)

در نگرش امیرالمومنین(ع)، آگاهی از امور کشور حق مردم است و تنویر افکار عمومی و پاسخ به پرسش‌ها و شبهات مردم وظیفه حاکم شمرده می‌شود. حکومت‌ها همیشه در معرض انواع شایعات و اتهامات قرار دارند، این آفت در حکومت‌های دینی به تهدید اصل حکومت و خدشه دار کردن قداست دین می‌انجامد، لذا آگاه ساختن مردم می‌تواند کمک بزرگی به از میان بردن این خطر ایفا کند. حضرت امیر(ع) در همین راستا به مالک اشتر می‌فرماید: «هرگاه مردم تصور کردند که تو از راه حق منحرف شده و ظلمی به آنان روا کرده‌ای، آشکارا با آنان سخن بگو، عذر خویش را درباره آنچه که باعث بدبینی شده با آنان در میان گذار و با آشکار شدن در میان مردم، آنان را از بدگمانی برهان.» (نهج البلاغه 1385: 417).

همچنین امیرالمومنین(ع) برای مردم، حق پرسش از حکومت و کارگزاران را به رسمیت می‌شناسد و در همین راستا در بخشی از نامه خود به مالک می‌فرماید: «... برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هر کاری به آنان بپردازی. برای دیدار با ایشان به مجلس عام بنشین، مجلسی که همگان در آن حاضر توانند شد ... در برابرشان فروتنی نمایی و بفرمای تا سپاهیان، یاران، نگهبانان و پاسپانان به یک سو شوند تا سخنگویشان بی‌هراس و بی‌لکنت زبان سخن خویش بگویند که من از رسول الله (ص) بارها شنیدم که می‌گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن، زبردست نتواند بدون لکنت زبان حق خود را از قوی دست بستاند. پس تحمل نمای

تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا

45

درشتگویی یا عجز آن‌ها را در سخن گفتن. تنگ حوصلگی و خودپسندی را از خود دور ساز تا خداوند درهای رحمتش را به روی تو بگشاید و ثواب طاعتش را به تو عنایت فرماید. اگر چیزی می‌بخشی، چنان بخش که گویی تو را گوارا افتاده است و اگر منع می‌کنی، باید که منع تو با مهربانی و پوزش خواهی همراه بود.» (همان: 415).

#### 7.4. نظارت پذیری حکومت و کارگزاران حکومتی

یکی از شاخص‌های دموکراسی و حکمرانی خوب، سطح بالای نظارت پذیری است و بین نظارت پذیری و اصلاح، پویایی و کارآمدی هر سیستم ارتباط و پیوند مستقیمی وجود دارد. ایجاد، نهادینه سازی و استمرار سیستم توازن و کنترل از شاخص‌های مهم حکمرانی خوب است. در دنیای پیچیده امروز، هیچ نظامی نمی‌تواند بی‌توجه به نظارت باشد اما سطح نظارت پذیری از نظامی به نظام دیگر متفاوت است؛ هرچه نظارت پذیری بیشتر باشد، اصلاحات و رفع خطاها بیشتر می‌شود و سیستم می‌تواند مقتدرانه و با کارآمدی و پاسخگویی بیشتر به پیش رود.

یکی از روش‌هایی که امیرالمومنین (ع) برای پاسخگویی کارگزاران خود در پیش گرفت، فعال کردن یک نظارت سیستماتیک بر ارکان حکومت و اقدام قاطعانه علیه کارگزاران ناقض قانون، عدالت و اموال عمومی بود. ایشان در نامه‌ای به مالک می‌فرمایند: «... سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و خبررسانان راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود. از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش خبررسانان تو هم آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار، خیانتکار بشمار و طوق بد نامی به گردنش بیفکن.» (همان: 411)

#### 7.5. مبارزه و اقدام قاطعانه و مستمر علیه فساد

عدم سوء استفاده از قدرت عمومی و مبارزه قاطع با تمامی ظواهر فساد از مؤلفه‌های حکمرانی خوب شمرده می‌شود. فساد یعنی سوء استفاده از قدرت عمومی یا حکومت در جهت منافع فردی، گروهی یا طبقاتی است. فساد ستیزی و اهتمام بسیار جدی به حفظ بیت المال و اموال عمومی چه در ساحت نظر و بیان و چه در ساحت عمل، یکی دیگر از ویژگی‌های بسیار شاخص علی (ع) است که او را شهره همه آفاق و اعصار کرده است. فساد باعث تخریب حکومت، بی اعتمادی سیاسی و بحران مشروعیت، شکاف و جدایی مردم و جامعه از دولت و ضعف و بی انسجامی یا واگرایی شدید در جامعه می‌شود. در ساحت هستی شناختی و فلسفی، دین اسلام سلامت اخلاقی و دوری از فساد و فسق را از ویژگی‌ها و الزامات مهم برای حکمرانان می‌داند.

امیرالمومنین (ع) معتقدند که وقتی منابع جامعه در اختیار کارگزاران و دولتمردان قرار می‌گیرد، این خطر وجود دارد که آنان برای استفاده‌های شخصی، گروهی و غیر مشروع از منابع عمومی وسوسه شوند. (کردبچه، میرزایی و مفتون، 1391: 753) ایشان در بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌هایشان خطاب به حاکمان بر مسئله مقابله با فساد، عدم سوء استفاده از اموال عمومی و برخورد قاطع با افراد فاسد بسیار تأکید داشتند: «نبایستی در آنچه متعلق به مردم است برای خود حقی قائل شوی.» (همان: 421) از دید ایشان، «زمامداران، امین خدا در زمین، برپا دارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد در میان مردم هستند.» (تمیمی آمدی، 1407: 236) در جای دیگر خطاب به یکی از کارگزاران خود می‌فرمایند: «همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی.» (نهج البلاغه ، 1385: 357).

## 7.6. شایسته‌سالاری

شایسته‌سالاری یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب است، استمرار حکمرانی

تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا

47

مستلزم کارآمدی و خدمات رسانی به هنگام و مطلوب است و این امر حاصل نمی‌شود مگر به شایسته سالاری. یکی از مؤلفه های حکمرانی خوب از منظر امیرالمومنین (ع) انتخاب فرد شایسته برای هر پست است. در نامه شماره 53 خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: « برای مشاغل بسیار مهم از سپاهیان و لشکریان خود کسی را انتخاب کن که در برابر سختی ها و پیش آمدهای تلخ و ناگوار، استوار باشد و مصیبت های بزرگ وی را از پا نشانند، ایشان شخصی باشد که زمان ناتوانی و ضعف دیگران، بر او ضعف و ناتوانی غالب نشود و بر اثر بی تفاوتی دیگران، بی تفاوت نگردد.» (نهج البلاغه ، 1385: 409)

حضرت امیر (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرمایند: کارگزاران خود را پس از آزمایش و امتحان به کار بگمار و از بین آنها افرادی که با تجربه‌تر و پاک‌تر و پیشگام تر در اسلامند، گزینش کن.» (همان: 411) یا در کلام دیگر به مالک می‌فرمایند: «در کار کارگزارانت بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار و به سبب دوستی با آنها، بی مشورت دیگران به کارشان مگمار، زیرا به رأی خود کار کردن و از دیگران مشورت نخواستن گونه‌ای از ستم و خیانت است. کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربت و حیا هستند و از خاندان‌های صالح، آنها که در اسلام سابقه‌ای دیرین دارند. اینان به اخلاق شایسته‌ترند و آبرویشان محفوظ‌تر است و از طمع کاری بیشتر روی گردانند و در عواقب کارها بیشتر می‌نگرند.» (همان: 411) یا در جای دیگر علی (ع) می‌فرمایند: در انتخاب کارکنان و کارگزارانت، شفاعت و وساطت کسی را مپذیر مگر شفاعت در مورد شایستگی و امانتداری آنها. (شمس الدین، 1374: 301)

## 7.7. مشارکت

حکمرانی خوب مستلزم مشارکت فراگیر و حضور نماینده همه گروه ها در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیریها و نیز مستلزم پاسخگویی، سلامت و شفافیت در تصمیمات، کنشها و دنبال کردن اهداف مشترک است. امیرالمومنین (ع) به هیچ عنوان درصدد تحمیل حکومت خود بر مردم بر نیامد حتی زمانی که از سوی مردم برای

حکومت مورد استقبال قرار گرفت ایشان فرمودند: « مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید... بدانید اگر من درخواست شما را پذیرا باشم با شما آن گونه که خود می‌دانم رفتار خواهم کرد و به حرف ملامت‌گرها و این و آن گوش نمی‌دهم و اگر دست از من بردارید من همانند یکی از شما خواهم بود. در میان کسانی که ولایت امور را بدو می‌سپارید من شنواتر و فرمانبردارتر می‌باشم. من اگر وزیر شما باشم بهتر است از آنکه امیر شما باشم.» (نهج البلاغه، 1385: 123).

در نگرش امیرالمومنین(ع)، مشارکت شهروندان دارای مفهوم عمیقی بود که بیانگر مبنای نظری اعتقاد امام به لزوم برخورداری حکومت از پشتوانه مردمی بود. ایشان حضور و مشارکت مردم را یکی از عوامل اساسی در پذیرش حکومت می‌دانست. (کردبچه، میرزایی و مفتون، 1391: 748). امیرالمومنین(ع) خطاب به مالک می‌فرمایند: « آداب پسندیده ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند را بر هم مزن و آدابی که به سنتهای خوب گذشته زیان وارد می کند پدید نیآور، که پاداش برای آورنده سنت و کیفر آن برای تو باشد که آن‌ها را درهم شکستی. با دانشمندان، فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت.» (نهج البلاغه، 1385: 407).

### 7.8. کارآمدی و اثربخشی

حکمرانی خوب، مشروط به خروجی خوب و مستمر برای مردم یا کارآمدی است. در حکمرانی خوب، هدف حکومت به حداکثر رساندن رفاه عمومی، جلب رضایت مادی و معنوی شهروندان و حمایت از حقوق بنیادین شهروندان است. هر حکومتی که موفق به تحقق این اهداف شود آن حکومت کارا و اثربخش تلقی خواهد شد. کارایی و اثربخشی به توانایی حکومت در قانونگذاری، قضاوت و تصمیمات مدیریتی در باب عدالت و قانونمندی متکی است، علاوه بر این چگونگی ارائه خدمات عمومی به همگان، نشان دهنده صلاحیت و شایستگی کارگزاران است. (آسموگلو و

دیگران، 2003: 64)

امیرالمومنین(ع) در خطبه‌ای کارآمدی نظام سیاسی را در گرو چهار عامل می‌داند: 1. اتحاد و وحدت کلمه. 2. اطاعت از رهبری جامعه. 3. تلاش حکومت در امر عمران و آبادی کشور. 4. تعهد نسبت به ادای امانت‌ها و انجام مسئولیت‌های اجتماعی. (نهج البلاغه، 1385: 49) همچنین، ایشان در نامه‌ای به مالک، چهار مورد مهم برای کارآمدی و اثربخشی حکومت بیان می‌کند: الف) جمع آوری مالیات آن دیار ب) مبارزه با دشمنان اعم از داخلی و خارجی ج) کوشش مستمر در اصلاح امور شهروندان د) آباد کردن شهر. (همان: 403) از جمله مولفه‌های لازم و ضروری دیگر برای اثربخشی و کارایی حکومت در نهج البلاغه عبارتند از: تأمین امنیت فراگیر، نگرش ویژه به رشد و بالندگی شهروندان به لحاظ مادی و معنوی و همچنین تأمین رفاه عمومی.

### 7.9. شفافیت

حکمرانی خوب در صورتی تحقق می‌یابد که کلیه تصمیمات و اقدامات مدیران رده بالا و رده میانی و پایین از شفافیت بالایی برخوردار باشد و از هرگونه ابهام و پنهان‌کاری به دور باشد. یکی از وجوه و عناصر حکمرانی در نهج البلاغه، موضوع شفافیت و حق‌مداری در بیان و عملکرد کارگزاران حکومتی است. علی(ع) می‌فرماید: «هرگاه مردم تصور کردند که تو از راه حق منحرف شده و ظلمی به آنان روا کرده‌ای آشکارا با آنان سخن بگو، عذر خویش را درباره آنچه که باعث بدبینی شده با آنان در میان گذار و با آشکار شدن در میان مردم، آنان را از بدگمانی برهان.» (نهج البلاغه، 1385: 417)

### 7.10. تأمین امنیت

امنیت یکی از مهمترین نیازها و ضرورت‌ها برای جامعه بشری است، به مفهوم دیگر، مهمترین وظیفه هر حکومت و مهمترین انتظار مردم و جامعه از حکومت، برقراری امنیت است به شرطی که امنیت به صورت فراگیر، مستمر، برابر و بدون

تبعیض حاصل شود و امنیت ضعفا و فرودستان نیز پا به پای امنیت اغنیاء تأمین شود. اهمیت این عنصر نزد امیرالمومنین (ع) چنان بالا است که وجود قوانین بد و ناکارآمد و حکومت جور را بر نبود آن اولویت می‌دهد. (سردارنیا، 1392: 34) امیرالمومنین (ع) صرفاً به امنیت جانی و سیاسی نپرداخته؛ بلکه امنیت در تمامی ابعاد را طرح کرده است که مهمترین آن‌ها عبارتند از: 1. تأکید بر امنیت اقتصادی صاحبان صنایع و تجار (همان: 361) 2. تأکید بر امنیت قضایی به عنوان محافظی برای دیگر ابعاد امنیت (همان: 403) 3. اهتمام به امور ارتش و سپاهیان به عنوان حافظان امنیت مردم و جامعه (همان: 409). 4. نفی روحیه خودکامگی و استبداد که مانع ثبات و امنیت می‌شود. (همان: 305) (ماندگاری، 1381: 55) بدین ترتیب در نهج البلاغه امنیت مبتنی بر نظم و قوانین الهی همواره مد نظر امیرالمومنین (ع) بوده است.

### 8. نتیجه‌گیری

این تحقیق، با عنایت به الزام اتخاذ رویکرد بومی گرایانه اسلامی و علمی در انجام پژوهش‌ها و آموزش در ایران و نیز با عنایت به الزامها و بایسته‌ها برای ارائه راهبردهای ضروری برای تحقق حکمرانی خوب در ایران تألیف شده است. امروزه حکومت‌ها با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند؛ لذا عبور از بحران‌ها و چالش‌ها نیازمند تمهیدات نظری، پژوهشها و اقدامات جدی برای تحقق و استمرار بخشیدن به حکمرانی خوب با شاخص‌های یاد شده است.

در این تحقیق نگارندگان تلاش کردند که در چارچوب یک رویکرد روشی و نظری زمینه‌گرا در بستر جهان بینی اسلامی و با تمرکز بر نهج البلاغه، ماهیت حکمرانی و شاخص‌های آن در نهج البلاغه و تفاوت‌های آن با نوع و ماهیت حکمرانی در نظام‌های مردم‌سالار سکولار را تحلیل کنند. حکومت برای امام علی (ع) نه به مثابه هدف بلکه به عنوان ابزاری در خدمت ارتقای اخلاقی و معنوی جامعه، اجرای شرع مقدس اسلام و نیز در جهت رفع نیازهای مردم و برقراری امنیت و آبادانی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. دیدگاه ما در این نوشتار بر این بود که گرچه بین شاخص



تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا

51

های این مفهوم در نهج البلاغه و اندیشه سیاسی غرب، به لحاظ شکلی و در مواردی به لحاظ محتوایی اشتراک و شباهت وجود دارد اما نگاه امام علی (ع) به مقوله حکومت و حکمرانی به لحاظ ماهوی متفاوت بود. نگاه امام علی (ع) به مقوله حکمرانی در چارچوب جهان بینی اسلامی و به صورت فرا زمانی، فرامکانی، اخلاقی، معنوی و تعالی بخش به جامعه بود.

درون مایه مؤلفه های حکمرانی خوب اسلامی از یک ترکیب دوگانه تشکیل شده است. که در درجه نخست آن شکل معنوی و توحیدی و در درجه بعدی اهمیت، سطح مادی و دنیوی قرار دارد. در حالی که درون مایه مؤلفه های حکمرانی خوب مطرح شده در غرب نشأت گرفته از اومانیزم و انسان محوری به جای خدامحوری و اولویت های عمدتاً عینی و کمتر تکامل جویانه است.

## منابع

### الف. فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام (1379). «آرمان های حکومت از دیدگاه امام علی (ع)»، حکومت اسلامی، سال سوم، شماره 17. پاییز.
- براتعلی پور، مهدی (1384). «نوفضیلت گرایسی سیاسی و هویت های جماعتی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره اول، تابستان.
- نهج البلاغه (1385). ترجمه محمد دشتی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1372). سیره نبوی. دفتر اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات. سردارنیا، خلیل اله (1391). «شاخص های حکمرانی خوب شهری در چارچوب نظریه سیستمی». در همایش مجموعه مقالات حکمروایی خوب شهری، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.
- سردارنیا، خلیل اله (1392). «شاخص ها و نسبت مشروعیت مردمی و دینی حکومت

در نهج البلاغه». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره 1، بهار. سروش، محمد (1380). «اهداف و آرمان های حکومت»، در مجموعه مقالات دانشنامه امام علی (ع) (به کوشش علی اکبر دلشاد) تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شریفیان ثانی، مریم (1380). «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری». فصلنامه مدیریت شهری، شماره 8، زمستان.

عالم، عبدالرحمن (1373). بنیاد های علم سیاست. تهران: نشر نی.

علوی پور، سید محسن (1388). «بحران اخلاق مدرن و چرخش ارسطویی مکین تاپیر». معرفت اخلاقی. سال اول، شماره اول، زمستان.

کردبچه، حمید و فرامرز میرزایی و زهرا عبادی مفتون (1391). «توسعه نظریه حکمرانی خوب با استفاده از نهج البلاغه»، مجموعه مقالات همایش نهج البلاغه. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

لنکرانی، محمدفاضل (1373). آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع). قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ماندگاری، محمد مهدی (1381). خط و مشی های سیاسی نهج البلاغه. قم: انتشارات بوستان کتاب.

#### ب. عربی:

تمیمی آمدی، عبدالواحد (1407). شرح غررالحکم و دررالکلم، جلد 6، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت.

شمس الدین، محمد مهدی (1411). نظام الحکم و الاداره فی الاسلام. چاپ سوم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت.

قضاعی، ابو عبدالله بن سلامه (1410). دستور معالم الحکم و ماثور مکارم الشیم. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.

- Acemoglu.D, Johnson.S, Robinson.J, Thaicharoen.Y. (2003).  
“Institutional Causes, Macroeconomic Symptoms: Volatility, Crises  
and Growth”, **Journal of Monetary Economics**, Vol.50.
- Barro, R.J. (1999). “Determinants of Democracy”, **Journal of Political  
Economy**, Vol.107.No.6.
- Fabricius, Michael. (1998). “The Impact of security on Bank Deposits  
and Investment”, **IMF**, Working Paper.
- Johnson, Ronald w. & Henry Minis (2000), **Approaches to Promoting  
Good Governance**, Near East Bureau, Democratic Institution  
Support Project.
- Kaufman, Daniel. (2003).**Rethinking Governance**, World bank.
- Najem, Pierre & Martin Hetherington.(2003). **Good Governance in the  
Middle East Oil Monarchies**, London, Rutledge Curzon  
Publication.
- Plumptre, Tim & John Graham. (1999). **Governance & Good  
Governance**, Institute on Governance, December.
- UNDP.(2000). **Characteristics of Good governance**, The Urban  
Governance initiative TUGi.
- Wolson, F.G. (1936). **The Elements of Modern Poletics**, New York,  
Mcgraw Hill.